

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

آذر ماه ۱۳۹۰ دسامبر ۲۰۱۱

شماره ۶۵

www.toufan.org toufan@toufan.org

مداحان "انقلاب مخملی" امپریالیستی را افشا کنیم ص. ۲



تهدید نظامی علیه ایران را متوقف کنید! ص. ۳



برای آزادی فوری و بی قید شرط علی نجاتی، رضا شهابی
و سایر کارگران و زندانیان سیاسی بکوشیم ص. ۴

معجزه حل معضل بیکاری در ام القزای اسلام ص. ۵

نظریه استالینی انقلاب جهانی ص. ۶

روشنفکران وطنفروش و عوامل اجنبی را بهتر بشناسید ص. ۹

از علی میرفطروس به علت حمایت از حمله نظامی به ایران،

سلب دکترای افتخاری شد ص. ۱۰

سلاح هسته‌ای موهومی ایران ص. ۱۰

**

امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها بزرگ‌ترین تروریست‌ها و

بزرگ‌ترین ناقضین حقوق انسان‌ها در جهان ص. ۱۱

**

بیانیه: حزب کمونیست کارگران تونس ص. ۱۲

در مورد انتخابات مجلس مؤسسان

**

سیزده آبان، حماسه شنبه سرخ، روز دانش آموز گرامی باد ص. ۱۳

دانشگاه‌ها جولانگاه دزدان و غارتگران ضد فرهنگ ۱۴

بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست لنینیست

ترور قذافی، جنایت تازه امپریالیسم ص. ۱۵



بیانیه کنشگران سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی داخل ایران

پیرامون خطر حمله نظامی به ایران ص. ۱۶

مداحان "انقلاب مخملی" امپریالیستی را افشا کنیم

پیرو تهدیدات و قیحانه نظامی علیه ایران و احتمال بمباران نیروگاه‌های هسته‌ای توسط رژیم نژاد پرست و متجاوز اسرائیل، بیانیه‌ای اخیراً توسط ۱۷۵ فعال سیاسی، خبرنگار و نویسنده و شخصیت‌های رنگارنگ در پوشش همدردی با مردم ایران صادر شده و با اتخاذ موضعی ارتجاعی و تهوع آور که یاد آور جهت گیری سیاسی روشنفکران جاهل و خودفروخته اپوزیسیون عراق در آستانه تجاوز نظامی آمریکا به آن کشور است، می باشد. روشنفکران کوراندیش و فریب خورده‌ای که چشم امید به "انقلاب مخملی" امپریالیستی بسته‌اند، برای خوشرقصی اجانب، گناه هر نوع تجاوز و بمباران ایران را به گردن جمهوری اسلامی می اندازند. همان طور که اپوزیسیون کنگره ملی عراق به رهبری احمد چلبی معروف، چنین کرد و به اپوزیسیون خیانت ملی بدل شد. صادر کنندگان بیانیه بیخردانه علل تشنج در منطقه و تهدیدات نظامی به میهن ما را در وجود هیولای توسعه طلب و متجاوز امپریالیست آمریکا و اسرائیل نمی بینند و هم زبان با اوباما و سارکوزی و دیگر کشورهای امپریالیستی، ایران را مقصر اصلی این ماجرا تحلیل می کنند، همان طور که عراقی‌های خود فروخته نیز، صدام حسین را مقصر اصلی تجاوز آمریکا به عراق تحلیل نمودند. آنها جای علت و معلول را آگاهانه برای فریبکاری تغییر می دهند. این فریب خوردگان و جاهلان سیاسی نفهمیدند و نمی خواهند بفهمند که علل تجاوز نظامی به عراق و افغانستان و لیبی و احتمالاً به ایران به منظور استقرار آزادی و دمکراسی و حقوق بشر و دلسوزانی برای مردم ایران نیست، بلکه به منظور تبدیل ایران به مستعمره رسمی این کشورها، غارت و چپاول منابع طبیعی و رقابت بر سر تسلط و کنترل انرژی در منطقه و جهان است. امپریالیست آمریکا به دنبال استقرار رژیمی در ایران است که همانند رژیم عربستان سعودی و قطر و کویت و بحرین و... سگ زنجیری‌اش باشد و مانعی برای سیاست‌های راهبردی نظم نوینش ایجاد ننماید.

صادرکنندگان بیانیه با فرمان عقب نشینی و فراخواندن رژیم، جهت متوقف ساختن غنی سازی اورانیوم و استفاده از انرژی هسته‌ای و انصراف از حق قانونی خود، از کشور ایران می طلبند به زورگویی‌های امپریالیست‌ها تن در دهد، تا امپریالیست آمریکا و شرکاء به رحم آیند و به کشور ایران تجاوز ننمایند!! آیا این سفیهان سیاسی نمی فهمند که اتهامات پوچ امپریالیستی در مورد برنامه هسته‌ای ایران تنها بهانه‌ای برای اشغال ایران و تحقق نیات شوم امپریالیستی است؟ اگر رژیم جمهوری اسلامی از این حق مسلم ایران نیز بگذرد و به خیانت ملی تن در دهد، آنها با پیشنهاد برسمیت شناختن اسرائیل و خیانت به ملت فلسطین و مبارزه با "تروریسم" و... به میدان می آیند و این قصه سر دراز دارد.

اما سرنوشت غم انگیز لیبی و سرنگونی رژیم قذافی درمقابل ماست و شاهدیم که حاکم لیبی به رغم تمام عقب نشینی‌ها و امتیاز دادن‌های سیاسی و اقتصادی‌اش، نیز نتوانست جان سالم بدر برد و سرانجام توسط امپریالیست‌ها سرنگون گردید. این رخداد، دلیلی بر این مدعاست که امپریالیست‌ها استقلال هیچ کشوری را بر نمی تابند و با دروغ و ریاکاری و با توسل به قطعنامه‌های غیر قانونی سازمان ملل به دنبال بهانه می گردند تا اهداف استعماری و فاشیستی خود را که همانا نقض آشکار حق خود تعیینی سرنوشت ملل است، به اجرا در آورند. صادرکنندگان بیانیه سازش با امپریالیسم و کنار آمدن با سیاست‌های استعماری را در دستور کار خود دارند و به این توهم دامن می زنند که با سازش و همکاری با امپریالیسم می توان به "آزادی و استقلال" دست یافت.

حزب ما بارها در بیانیه‌ها و مقالات سیاسی‌اش به طور روشن بیان داشته است، که سرنگونی رژیم ارتجاعی و بهیمی جمهوری اسلامی یک امر داخلی و وظیفه مردم ایران است و هر گونه قلندری و تحریم‌های غیر قانونی و تهدیدات نظامی جنایتکارانه را محکوم کرده و در مقابل آن قاطعانه خواهد ایستاد.

حزب کار ایران (توفان) هر نوع چراغ و چشمک و خوشرقصی برای امپریالیست‌ها را محکوم می کند و همه مبارزین انقلابی و میهن پرست را به افشای کلاشان و مداحان امپریالیست که به تظہیر سیاست‌های تجاوزکارانه استعماری می پردازند، فرا می خواند. این روشنفکران خود فروخته کسانی هستند که از مدتها قبل توسط دستگاه‌های امنیتی دشمنان ایران پروار شده و برای چنین روزی آماده شده‌اند. ننگ و نفرت بر آنها باد.

**سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی فقط به دست مردم ایران!
زنده باد آزادی و سوسیالیسم!
دست امپریالیست‌ها از ایران و منطقه کوتاه باد!**

حزب کار ایران (توفان)

بیست و سوم آبان ماه هزار و سیصد و نود

www.toufan.org

تهدید نظامی علیه ایران را متوقف کنید!



**این بیانیه به زبان انگلیسی تهیه و به همه احزاب برادر و سازمان‌ها و نیروهای مترقی جهان ارسال گردید.
اینک ترجمه فارسی بیانیه از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:**

اخیراً قدرت‌های امپریالیستی و صهیونیست‌های اسرائیلی تبلیغات جنایتکارانه جنگی علیه ایران را تشدید کرده‌اند. آنها ایران را با تهاجم نظامی و تحریم‌های اقتصادی بیشتر تهدید می‌کنند. جنگ افروزانی مانند سارکوزی، کامرون، اوباما، نتانیا‌هو، پرز، و دیگران فشار بر ایران را افزایش داده‌اند. نخست وزیر مرتجع و فاشیست اسرائیل، نتانیا‌هو تهدید می‌کند که ممکن است حتی بمب‌های اتمی اسرائیل را علیه ایران به کار گیرد. رهبران قدرت‌های امپریالیستی برنامه اتمی ایران را مورد بهانه قرار داده و با پخش دروغ و اخبار ساختگی سعی دارند که زمینه را برای یک جنایت دیگر آماده سازند. آنها ادعا می‌کنند که ایران برنامه مخفی برای دسترسی به بمب اتمی دارد و هیچ مدرک و سندی را هم ارائه نمی‌دهند. بیش از یک دهه است هر ساله ادعا می‌شود که ایران در عرض کمتر از یکسال دارای بمب اتمی خواهد بود (!) و هنوز هم همین ادعای پوچ را تکرار می‌کنند.

حزب کار ایران (توفان) قاطعانه تهدید امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها علیه ایران را محکوم می‌کند. ما قطعنامه‌های سازمان ملل علیه مردم ایران را شدیداً محکوم کرده‌ایم و هر نوع قطعنامه جدید را هم محکوم خواهیم کرد.

ایالات متحده آمریکا و کشورهای امپریالیستی اروپا در بحران عمیق سیاسی - اقتصادی به سر می‌برند. بورژوازی امپریالیستی سعی می‌کند که بار بحران را به کشورهای دیگر منتقل کند. کشورهای خاورمیانه دارای منابع خام فراوانی هستند و بهار عربی موقعیت همدستان و دست نشانندگان قدرت‌های غارتگر را متزلزل کرده است. امپریالیست‌ها برای غارت مجانی منابع خام کشورها، برای تحکیم هژمونی و برای تقسیم مجدد جهان دست به جنگ زده و امید دارند که حکومت‌های دست نشانده خود را بر سر کار بگذارند. وقایع در لیبی، سوریه، و تهدید ایران را باید در چارچوب این سیاست دید.

صهیونیست‌های اسرائیلی در چند سال گذشته با شکست‌های متعددی روبرو شده‌اند. مقاومت شکوهمند مردم علیه تجاوزات جنایتکارانه اسرائیل به لبنان و غزه، به رسمیت شناختن جهانی فلسطین، بهار عربی در مصر، جنبش اعتراضی در درون اسرائیل علیه وخامت اقتصادی، همه دست به هم داده و رهبران اسرائیل را ایزوله کرده‌اند. دولت اسرائیل با معرفی ایران به عنوان دشمن خارجی که قرار است در آینده نزدیک (!) به بمب اتمی مسلح شود؛ سعی دارد که اسرائیلی‌ها را پشت سر رهبران بسیج کند و با بی‌ثبات کردن شرایط در خاورمیانه برنامه جنایتکارانه و نژاد پرستانه خود را به پیش ببرد.

حزب کار ایران (توفان) بار دیگر اعلام می‌دارد که ایران حق دارد که دست به فن آوری هسته‌ای زده و از انرژی هسته‌ای استفاده کند. مردم ایران حق دارند که صنایع خود را برای بهبود و رشد جامعه توسعه دهند. منافع ملی جامعه حکم می‌کند که علم و صنعت توسعه یابند. هر کوششی از طرف امپریالیست‌ها برای جلوگیری از پیشرفت ایران با مقاومت شدید مردم مواجه خواهد شد. هر نوع حمله نظامی به ایران کل منطقه خاورمیانه را به آتش خواهد کشید. همبستگی بین مردم عرب و ایران بسیار گسترده و محکم است و هر نوع حمله نظامی به ایران پاسخ مناسب خود را خواهد گرفت.

حزب ما هر نوع دخالت در امور داخلی ایران را قویاً محکوم می‌کند. مردم ما ضمن محکومیت قاطع تهدیدهای امپریالیستی - صهیونیستی علیه ایران را، به مبارزه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند. سرنگونی رژیم مرتجع و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی فقط به دست مردم آزاده و نیروهای واقعاً دموکراتیک و ضد امپریالیست که خواهان ایرانی آزاد و شکوفان و فارغ از استثمار باشند صورت خواهد گرفت.

**نه، به تهدیدات امپریالیستی - صهیونیستی علیه ایران!
زنده باد همبستگی بین‌المللی با مردم ایران!**

حزب کار ایران (توفان)

۱۳ نوامبر ۲۰۱۱

WWW.Toufan.org

Toufan@toufan.org

برای آزادی فوری و بی قید شرط علی نجاتی، رضا شهابی و سایر کارگران و زندانیان سیاسی بکوشیم



اطلاعی‌های که مورخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۱ توسط نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - در خارج کشور درمورد علی نجاتی و رضا شهابی دو کارگر زندانی انتشار یافته، آمده است: "رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بی توجه به تمامی اخطارها و تذکرات محافل کارگری در مورد وضعیت سلامتی علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و حتی تأییدیه‌ی پزشکی دال بر عدم توانائی وی برای تحمل یک سال دیگر زندان تحمیلی، روز ۱۲ نوامبر ایشان را که برای ارائه مدارک پزشکی‌اش به دادگاه مراجعه کرده بود، دستگیر و زندانی نمود. این عمل جنایتکارانه، نهایت سببیت و کینه توزی این رژیم ضد بشری حامی سرمایه را می‌رساند که برخلاف تمام قوانین بین‌المللی و اصول انسانی، حتی از محبوس کردن یک فعال کارگری با چنین وضعیت جسمی و عواقب خطرناک ناشی از بیماری‌هایش، خود داری نمی‌کند. ما ضمن این که اساساً صدور حکم زندان برای علی نجاتی (اکنون برای دومین بار و به مدت یک سال) و دیگر فعالین کارگری و سایر جنبش‌های اجتماعی را باطل و نادرست می‌دانیم، خواهان لغو آن و آزادی فوری و بدون قید و شرط علی نجاتی هستیم. ما رژیم جمهوری اسلامی و مشخصاً قاضی و دادستان این پرونده را مسئول سلامتی و جان علی نجاتی می‌دانیم."

حزب ما ضمن پشتیبانی از این اطلاعی‌ه و حمایت از کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی منتهاست اقدامات مشخص بین‌المللی در همبستگی با کارگران ایران انجام داده و با ارسال نامه به احزاب مارکسیست لنینیست جهان و اتحادیه‌های کارگری نظر آنها را به مسائل کارگری ایران از جمله زندانیان سیاسی و سرکوب کارگران جلب نموده و خواهان همبستگی با کارگران ایران و آکسیون‌های عملی علیه جمهوری اسلامی گردیده است. در نامه‌ای که در اکتبر ماه امسال به احزاب کمونیست و بیش از ۵۰ اتحادیه و سازمان کارگری ارسال داشته، آورده است:

«.....رژیم جمهوری اسلامی ایران شرایط بسیار دشوار اقتصادی برای کارگران و زحمتکشان ایجاد نموده است. صدها اعتصاب و تظاهرات برای دریافت حقوق معوقه، برای افزایش دستمزد، برای بالابردن حد اقل حقوق ماهانه، برای شرایط بهتر کار، برای تشکیل سندیکای مستقل و برای حذف پیمانکاری و قراردادهای موقت صورت گرفته است. در بسیاری از بخش‌های اقتصادی، عقد قراردادهای موقت و پیمانکاری، سیاستی است که کارفرمایان برای استثمار بیشتر کارگران اتخاذ کرده‌اند و این سیاست توسط رژیم جمهوری اسلامی حمایت می‌شود. این سیاست از سیاست‌های نئولیبرالی سازمان تجارت جهانی نشأت گرفته و توسط آن به کشورهای عضو دیکته می‌شود. این سیاست خانمان برانداز مشکل عموم کارگران ایران در بخش‌های مختلف اقتصادی است. کارگران، چه رسمی و مداوم و چه غیر رسمی و موقت، به این نتیجه رسیده‌اند که در حذف این پدیده ضد کارگری دارای منافع مشترک هستند.

مطالبه تشکیل سندیکای کارگری نیز یکی از مطالبات عمومی کارگران ایران در بخش‌های مختلف نیروی کار است. رژیم ضد کارگری اسلامی ایران بسیاری از فعالین کارگری را به خاطر تلاش در جهت برپائی تشکل مستقل زندانی و شکنجه نموده است. بسیاری از رهبران جنبش اتحادیه‌ای در ایران سال‌های طولانی زندان را پشت سر نهاده‌اند. تشکیل سندیکای مستقل کارگری کابوسی برای رژیم جمهوری اسلامی است. رژیم ایران اتحاد کارگران را تهدیدی مرگ آور برای خود می‌داند و به همین دلیل سعی می‌کند که هر جنبشی در جهت برپائی تشکل مستقل را خفه کند. با وجود سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی، کارگران و زحمتکشان ایران با پیگیری و تلاش خستگی ناپذیر خود توانسته‌اند چندین سندیکا در بخش‌های مختلف صنعتی تشکیل دهند. تلاش و کوشش در این جهت در بخش‌های دیگر هم به وضوح دیده می‌شود. جهت حرکت جنبش کارگران در سمت کسب موفقیت و به عقب راندن کارفرمایان و رژیم حامی آنها است.

حزب کار ایران (توفان) از کارگران و تمامی مردم ایران می‌خواهد که مبارزات خود را علیه رژیم سرمایه‌داری و ضد کارگری جمهوری اسلامی شدت بخشند. ما کارگران و زحمتکشان ایران را تشویق می‌نمائیم که همبستگی خود را با مبارزات رفقای کارگر خود در بخش‌های مختلف نیروی کار ابراز دارند. مطالبات و خواست‌های یک بخش از کارگران، مطالبات و خواست‌های تمامی کارگران و زحمتکشان ایران است. دستاوردهای مبارزاتی یک بخش از کارگران دستاوردی است برای همه کارگران و مردم. پیروزی نهائی در اتحاد همه کارگران و زحمتکشان در زیر پرچم حزب طبقه کارگر است. این تنها مسیر ممکن برای رهائی طبقه کارگر ایران از یوغ بندگی سرمایه‌داری است»

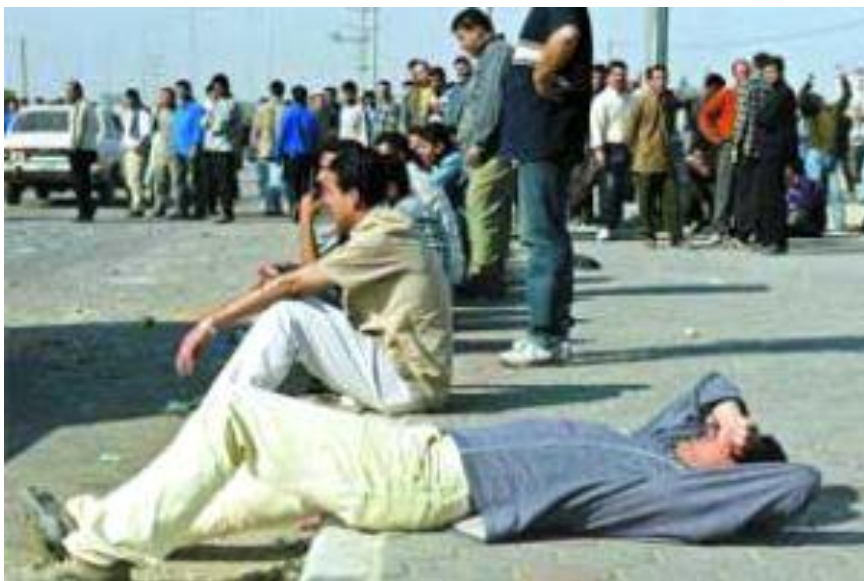
انتشار این نامه در دفاع از مطالبات کارگران و آزادی فوری آنها از زندان مورد توجه بسیاری از احزاب و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت و در نشریات حزب مارکسیست لنینیست اسپانیا و هندوستان و چند حزب و اتحادیه کارگری انعکاس یافته و این

امر نمی تواند موجب مسرت و شادمانی ما و دیگر فعالین کارگری، نیروهای مترقی و انقلابی قرار نگیرد. حزب ما به این اقدامات بین‌المللی خود قاطعانه ادامه می دهد و در جهت آزادی فوری کارگران شریف زندانی تمام مساعی خود را به کار خواهد گرفت.

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران علیه سرمایه‌داران
دست رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی از فعالین کارگری و همه مردم ایران کوتاه باد!
برای آزادی فوری علی نجاتی، رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی بکوشیم.

* * * * *

معجزه حل معضل بیکاری در ام القرای اسلام



اگر حضرت محمد در قرآن ۱۶ بار گفته است که نمی تواند معجزه کند و معجزه کار خداست. مقامات جمهوری اسلامی در طی ۳۳ سال حاکمیت باندهای مافیائی معمم و مکلا و برادران قاچاقچی و تجار محترم سالانه بیش از ۱۶ هزار بار معجزه می کنند. یکی از این معجزات حل مشکل بیکاری به شیوه دولت "عدالت خواه" دکتر احمدی نژاد است.

خبرگزاری مهر در ۱۴ مهرماه ۱۳۹۰ در گزارشی از سفر دکتر محمود احمدی نژاد به شهر کبودر آهنگ استان همدان می نویسد: "محمود احمدی نژاد با بیان این که دولت برای ایجاد ۲,۵ میلیون شغل در سال جاری و ۲,۵ میلیون شغل در سال آینده برنامه ریزی کرده است، می گوید: بیکاری را تا سال آینده با ایجاد ۵ میلیون شغل ریشه کن خواهیم کرد."

داریوش قنبری، نماینده مجلس در نشست مجلس خطاب به محمود احمدی نژاد در این رابطه می گوید: "پس از گذشت ۶ سال از ریاست جمهوری جنابعالی اکنون مردم ایران به لحاظ اقتصادی تبدیل به دو دسته شده‌اند، یا بیکار هستند، یا بدهکار. وی اضافه می کند: "به جای آمدن پول نفت بر سر سفره‌ها احکام جلب بانک‌ها برای مطالبات بانک‌ها از بدهکاران به در خانه‌های مردم می رود. آقای احمدی نژاد با نادیده گرفتن همه واقعیات جامعه در حوزه‌های اقتصادی و انواع فشارهای تورمی و گرانی، حرف‌های خیال پردازانه می زند که نمونه‌های آن ایجاد دو و نیم میلیون شغل در سال جاری و دادن ۱۰۰۰ متر زمین برای ساخت ویلا به مردم است. اکنون سؤال این است با گذشت هشت ماه از سال جاری چه تعداد از این شغل‌های وعده داده شده ایجاد شده‌اند. آیا می دانید برای ایجاد دو و نیم میلیون شغل در کشور افزایش نرخ رشد اقتصادی باید ۲۵ درصد باشد در حالی که بنا بر برخی آمارها این نرخ حدود یک درصد است."

مطابق طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران جمعیت فعال کشور (شامل مجموع افراد شاغل و جویای کار) در سال ۱۳۸۴، بیست و سه میلیون و دویست و نود هزار نفر بوده که در سال ۱۳۸۸ به بیست و سه میلیون و هشتصد و چهل هزار نفر رسیده است. به این ترتیب طی چهار سال ۵۵۰ هزار نفر و به عبارت دیگر سالانه حدود ۱۴۰ هزار نفر وارد بازار کار شده‌اند. البته باید به دو نکته نیز توجه داشت یکی این که سالانه به طور متوسط حدود هفتصد هزار نفر به جمعیت متقاضی کار اضافه می شود و دوم این که طبق آمار رسمی رشد اقتصادی در این سال‌ها بین ۶,۵ تا ۴ درصد اعلام شده است که در سال جاری به یک تا صفر درصد کاهش یافته است. حال چگونه امکان دارد در شرایطی که به دلیل سیاست‌های ضد ملی و مافیائی اقتصادی حاکم که در جهت تخریب تولید

صنعتی و کشاورزی داخلی و گسترش هر چه بیشتر واردات به نفع تجار محترم و برادران قاچاقچی عمل می شود و روزانه خبر بسته شدن و ورشکستگی مراکز تولیدی و **اخراج های دسته** می رسد تا سال آینده ۵ میلیون شغل به وجود آورد؟ این سئوالی است که پاسخ آن را تمام ملت ایران به خوبی می دانند. معجزه دروغ! چیزی که به وفور در ایران اسلامی تولید شده و تاحد تهوع به خورد مردم می دهند.

روزنامه شرق در مطلبی تحت عنوان "آمار دولت در مورد بیکاری دروغ است" می نویسد:
 "امروز دیگر برای پیدا کردن بیکاری نیازی نیست پی افراد بی سواد یا دیپلمه باشید چرا که خیلی راحت می توان از یک جامعه **هدف** ۱۰۰ نفری حداقل ۵۰، ۶۰ نفر کارشناس (لیسانس) بیکار، ۱۰ الی ۱۵ نفر کارشناس ارشد، یکی، دو نفر دکترا و دست آخر ۲۰ تا ۳۰ فرد کم سواد پیدا کرد".

خباز نماینده مجلس در رابطه با آمار بیکاری دولت می گوید: "من در حالی که از وضعیت تعطیلی کارخانه ها و واحدهای تولیدی از نزدیک اطلاع دارم و هر روز بر حجم بیکاران افزوده می شود چگونه باید این آمار را باور کنم؟
 سید محمد پور فاطمی نماینده تنگستان می گوید: "از مسئولان می خواهیم از این دروغ ها کمتر بگویند، در استان بوشهر ۹۵ هزار نفر در پارس جنوبی مشغول به کار بودند اما در حال حاضر تنها زیر ۸ هزار نفر مشغول به کار هستند. آقایان چطور می گویند که بیکاری کم شده است. آمار اشتغال دولت غیر واقعی است و باید از آقای احمدی نژاد بپرسیم این آمار غلط را از کجا می آورد؟"
 بانک مرکزی در گزارشی مطرح می کند که طی سال های ۸۴ تا پایان ۸۹، هفتصد و سی هزار شغل در بخش کشاورزی از بین رفته است.

خبرگزاری ایلنا در گزارشی از مصاحبه با دبیر سندیکای صنعت برق ایران نسبت به خطر بیکاری ۹۰۰ هزار نیروی کار این صنعت هشدار می دهد.

اکنون میست در ماه ژوئن ۲۰۱۱ نیروی کار ایران را ۲۶ میلیون و ۴۰۰ هزار و نرخ بیکاری را ۱۴,۱ در صد اعلام نمود و پیش بینی می کند در دو سال آینده نیز نرخ بیکاری ۱۵ درصد خواهد بود.

عبدالرضا ترابی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نرخ واقعی بیکاری در ایران را بالای ۳۰ درصد و جمعیت بیکار را دست کم ۷,۵ میلیون نفر می داند.

روزنامه اعتماد در مطلبی تحت عنوان "۷ عامل اساسی نرخ بالای بیکاری در ایران" ضمن نا موفق خواندن طرح خصوصی سازی شرکت های دولتی اعلام می کند در طی چهار سال اخیر بیش از ۱۴۰۰ شرکت خصوصی شده در ایران اعلام ورشکستگی کرده اند که مسلماً این مسئله تشدید مشکل بیکاری را به دنبال داشته است.

حال دولت "عدالت خواه" جناب آقای دکتر احمدی نژاد برای حل مشکل رو به گسترش بیکاری به معجزه دروغ و جعل آمار رو آورده و با طرح این که افرادی حتی با یک ساعت کار در هفته شاغل محسوب می شوند، می خواهد مشکل بیکاری را حل کند .



نظریه استالینی انقلاب جهانی

بسیاری ها عبارت «انقلاب جهانی» را هنوز هم با نام تروتسکی مرتبط می دانند. این تصور از آن ناشی می شود که او نظریه انقلاب مداوم را پیش از انقلاب کبیر اکثر تدوین نمود و مفهوم «انقلاب مداوم» در پیوند مستقیم با مسائل استراتژیک انقلاب و ادامه ساختمان سوسیالیسم قرار داشت. بدون این که به جوانب مختلف نظریه تروتسکی بپردازیم، لازم به یادآوری می دانیم که مضمون اصلی این نظریه در عرصه سازندگی سوسیالیستی عبارت از ناممکن بودن ساختمان سوسیالیسم در یک کشور جداگانه می باشد. تروتسکی عقیده داشت که، انجام انقلاب سوسیالیستی در یک کشور عاقلانه نیست. او تأکید داشت که یکی از علل اصلی بروز بحران در جامعه بورژوائی این است که نیروهای مولده این جامعه دیگر نمی توانند در چهارچوب ملی بگنجند. بدین ترتیب، انقلاب سوسیالیستی به معنی واقعی کلمه، تداوم می یابد و پیش از برقراری نظام نوین اجتماعی در مقیاس جهانی، نمی تواند رسالت خود را پایان یافته اعلام کند. او اعتقاد داشت که جهان بقدری واحد و بهم پیوسته است که پیروزی سوسیالیسم در یک کشور جداگانه ممکن نیست. چرا که جمهوری های شوروی در حلقه محاصره دیگر کشورها خفه خواهند شد. تروتسکی و همفکران او به نیروی انقلاب جهانی بیش از نیروی خلق خود باور داشتند. تروتسکی می نویسد: «حل تضادهای دولت کارگری با اکثریت دهقانی جامعه در کشور عقب مانده، فقط در مقیاس جهانی ممکن است». این ناباوری او به قدرت پرولتاریای کشور خود و خصومت آشکار با دهقانان به عوامل زیادی از جمله، شخصیتهای و توازن طبقاتی بستگی داشت (می دانیم که تروتسکی سال های زیادی در مهاجرت زندگی می کرد). تروتسکیسیت ها روحیات روشنفکران خرده بورژوازی را نمایندگی می کردند و ساختمان سوسیالیسم، به کار عظیم سازندگی نیاز داشت. آنها به منظور برافروختن آتش انقلاب جهانی فقط عبارات آتشین پرتاب می کردند، اما، زمانی که از مکانیزم های مشخص برافروختن آتش به میان می آمد، آنها با سیاست حزب را به نقد می کشیدند و ضمن خواندن «آیه های» یاس و با اذعان به ناتوانی خود در ساختن سوسیالیسم، حزب و خلق را به بی عملی متهم می نمودند و یا با ارائه پیشنهادهای ماجراجویانه برای حل مسائل، دولت پرولتاری را به رو در روئی با جهان بورژوازی و شکست فرا می خواندند. این تئوری را به طور شرطی می توان «تئوری انتظار» نام داد. زیرا که مفاد آن هیچ مورد عملی برای سازندگی در بر نداشت و فقط در کارهای سازنده حزب و خلق شوروی ایجاد اختلال می کرد.

در مقابل چنین نگرشی به چشم انداز ساختمان سوسیالیسم، انواع دیدگاه‌های دیگری هم وجود داشت. این دیدگاه‌های دیگر چشم انداز ساختن سوسیالیسم، همان آموزه‌های لنین و استالین درباره امکان ساختن سوسیالیسم در یک کشور جداگانه را مد نظر قرار می‌داد.

در ادبیات شوروی اغلب نظریه امکان ساختن سوسیالیسم در یک کشور جداگانه را با نام لنین مرتبط دانسته، استالین را فراموش می‌کردند. مثلاً، در کتاب «تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی» آمده است: «لنین استدلال می‌کند که چون سوسیالیسم در دوران امپریالیسم نمی‌تواند همزمان در همه کشورهای سرمایه‌داری پیروز شود، امکان پیروزی آن در یک کشور ممکن است». این استدلال کاملاً درست است. اما از دید ما، مرتبط دانستن این نظریه فقط با نام لنین اشتباه است. لنین اصول اساسی این نظریه را تبیین کرد و طرح موضوع این طور صحیح است که لنین فرضیه پیروزی سوسیالیسم ابتدا در یک کشور جداگانه را مطرح ساخت و استالین آن را تا حد نظریه فرارویانید.

هم چنین این هم اشتباه خواهد بود هر گاه نظریه امکان ساختن سوسیالیسم در کشور را جداگانه را فقط با نام استالین مرتبط بدانیم. استالین ملاحظات خود از این مسئله را بر پایه تئوری امپریالیسم لنین و قوانین توسعه نامتوازن کشورهای سرمایه‌داری استوار ساخت. همان طور که در بالا گفته شد، قوانین توسعه نامتوازن کشورهای سرمایه‌داری در دوران امپریالیسم، زمینه‌های توسعه سریع کشورهای عقب مانده را در کوتاه ترین دوره تاریخی فراهم می‌سازد. از این می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب سوسیالیستی در شرایط توسعه تکاملی سرمایه‌داری «بلوغ نمی‌یابد» و در آنجا به وقوع می‌پیوندد که تضادهای جهان سرمایه‌داری به اوج خود می‌رسند. و این، به پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشور نه چندان توسعه یافته منجر می‌گردد. شالوده نظریه استالینی انقلاب جهانی در پی پیروزی سوسیالیسم در کشور جداگانه را این حکم لنینی تشکیل می‌دهد. در اینجا، به بررسی این نظریه می‌پردازیم:

در نظریه استالینی انقلاب جهانی باید دو مسئله را به دقت مورد توجه قرار داد: اول، امکان ساختمان سوسیالیسم در یک کشور جداگانه و دوم، پیروزی سوسیالیسم در کشور جداگانه.

۱- امکان ساختمان سوسیالیسم در یک کشور جداگانه. همان طور که گفتیم، امکان ساختمان سوسیالیسم در کشور جداگانه را لنین تئوریزه کرد. او در کتاب «ایالات متحده اروپا» نوشت که «پرولتاریای پیروز شده... با لغو مالکیت خصوصی و سازماندهی تولید سوسیالیستی در کشور خود و با جلب توجه خلق‌های تحت ستم دیگر کشورها به سوی خود، می‌تواند، در مقابل دنیای سرمایه‌داری قرار بگیرد. این سخنان داهیانه لنین صحت کامل خود را به اثبات رسانید.

مشابه این مفهوم در آثار دیگر او نیز به وضوح کامل بیان شده است. لنین در کتاب «درباره تعاونی‌ها» نوشت: «اعمال مالکیت دولتی بر همه ابزارهای بزرگ تولیدی، دادن قدرت دولتی به دست پرولتاریا، اتحاد این پرولتاریا با جمعیت میلیونی دهقانان فقیر و میانه حال، تأمین رهبری پرولتاریا بر دهقانان و غیره... همه اینها برای ساختن یک جامعه سوسیالیستی کامل الزامی است. در مقاله «درباره اهمیت طلا اکنون و بعد از پیروزی کامل سوسیالیسم» می‌نویسد که «عاجل ترین وظیفه ما، عاجل ترین هم از نقطه نظر اصولی، هم عملی، هم از نقطه نظر جمهوری سوسیالیستی فدراتیو روسیه اکنون و هم از نقطه نظر بین‌المللی»، ایجاد پایه‌های اقتصادی نظام سوسیالیستی می‌باشد.

از سخنان فوق‌الذکر لنین، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه ساختمان سوسیالیسم در یک کشور جداگانه از سوی خود لنین مطرح شد. اما در پرتو آثار لنین ما توضیح مشخصی درباره چگونگی ساختن سوسیالیسم و ساختمان سوسیالیسم مشاهده نمی‌کنیم. همه آثار لنین پر از مثال‌ها و بحث‌های عام درباره نظام آینده می‌باشد. این بحث‌های عام، شالوده آن نظریه‌ای را تشکیل می‌دهند که استالین توسعه داد.

استالین در تشریح موضوع ساختمان سوسیالیسم در یک کشور جداگانه، دستورالعمل‌های لنینی و دیالکتیک مارکسیستی را که به او اجازه می‌داد لنینیسم را خلاقانه توسعه دهد، راهنمای عمل خود قرار داد. لازم به توضیح است که از نقطه نظر تئوری استالینی، «پیروزی سوسیالیسم در یک کشور جداگانه، نه هدف نهایی، بلکه، به منزله وسیله‌ای برای توسعه و پشتیبانی از انقلاب در دیگر کشورها می‌باشد». این نظریه اصولی استالینی حکایت از آن می‌کند که تئوری استالینی سوسیالیسم نه نوع ملی مارکسیسم، بلکه، آموزه انترناسیونالیستی، تئوری منسجم و کامل انقلاب جهانی آن را مد نظر قرار می‌دهد.

برای آن که در مورد ممکن و یا غیرممکن بودن ساختمان هر نظام اجتماعی سخن بگوئیم، تعیین ماهیت آن ضروری است. در این صورت، می‌توان پایگاه‌های سیاسی و اقتصادی سوسیالیسم را تعیین کرد. استالین به پایگاه سیاسی و اقتصادی سوسیالیسم مفهوم بخشید. او می‌گوید: «ما دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار ساختیم و پایگاه پرولتری حرکت به سوی سوسیالیسم را تشکیل دادیم». دقیقاً دیکتاتوری پرولتاریا باید به مثابه پایگاه سیاسی لنینی - استالینی جامعه سوسیالیستی تا پیروزی کمونیسم بماند. تا زمانی که هنوز یک دشمن طبقاتی به موجودیت خود ادامه می‌دهد، انصراف از ایده دیکتاتوری پرولتاریا، به معنی عقب نشینی از موضع طبقاتی و تسلیم در مقابل بورژوازی جهانی محسوب می‌شود. استالین چنین تعریفی از پایگاه سیاسی سوسیالیسم ارائه داد.

آری! تشکیل پایگاه سیاسی سوسیالیسم نسبتاً آسان است. برای این کار فقط سرنگونی دولت بورژوائی کفایت می‌کند. اما تشکیل پایگاه اقتصادی سوسیالیسم بسیار دشوار است. استالین در مورد پایگاه اقتصادی سوسیالیسم می‌نویسد: «تشکیل پایگاه اقتصادی سوسیالیسم، به معنی ادغام اقتصاد دهقانی با صنایع سوسیالیستی در یک مجموعه اقتصادی، تابع سازی اقتصاد دهقانی به رهبری صنایع سوسیالیستی، تنظیم مناسبات بین شهر و روستا بر مبنای مبادله کالاهای کشاورزی و صنعتی، بستن و کورکردن تمام آن معبرهائی که از طریق آنها طبقات و خصوصت، پیش از همه سرمایه پدید می‌آید و بالاخره، فراهم آوردن چنان شرایط تولید و توزیع که مستقیماً و بلاواسطه به از بین رفتن طبقات منتج می‌شود». دقیقاً ایجاد شرایط برای جلوگیری از تقسیم جامعه به طبقات را استالین به مثابه ماهیت واقعی جامعه سوسیالیستی که از طریق تغییر تدریجی به سوی جامعه کمونیستی به عنوان مرحله جدید تکامل راه خواهد گشود، تعریف می‌کرد.

اما مفهوم امکان برقراری سوسیالیسم در یک کشور جداگانه چیست؟ این، به معنی داشتن امکان سلب مالکیت از سرمایه‌داران و همدستان آنها، متحد کردن طبقات استثمارشونده در زیر رهبری پرولتاریا و برخورداری از امکان تشکیل پایگاه اقتصادی سوسیالیسم می‌باشد. همه اینها در کشور ما به واقعیت پیوستند. به همین سبب، استالین در پاسخ به این سؤال که آیا امکان ساختن جامعه سوسیالیستی در کشور ما بدون پیروزی مقدماتی سوسیالیسم در غرب وجود دارد یا نه، می‌نویسد: «نه تنها ممکن، حتی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است». واقعاً هم، پرولتاریای پیروز نمی‌تواند ساختمان سوسیالیسم را در کشور خویش آغاز نکند، چرا که به تنهایی هم قادر به ادامه حیات می‌باشد. بخودی خود روشن است که اگر پرولتاریای پیروز نخواهد جامعه سوسیالیستی بسازد، باید شاهد نوزائی حاکمیت بورژوازی و ترمیم آشکار سرمایه‌داری در کشور باشد، که به بردگی مجدد زحمتکشان منجر خواهد گردید. پرولتاریای پیروز با تکیه بر نیروی اقتصادی و سیاسی خود، مجبور و ملزم به ساختن سوسیالیسم است.

۲- پیروزی سوسیالیسم در یک کشور جداگانه به معنی چیست؟ در اینجا ما سعی می‌کنیم پاسخ این سؤال را بیابیم.

پاسخ این پرسش را استالین با در نظر گرفتن دقیق اوضاع تاریخی چنین می‌دهد.

پیروزی سوسیالیسم در یک کشور جداگانه، هیچ مفهوم دیگری جز، اولاً - لغو طبقات استثمارگر، ثانیاً - ساختن پایگاه جدید اقتصادی، شیوه نوین زندگی ندارد. اما پیروزی سوسیالیسم را نباید به معنی بازگشت ناپذیری و از پیش تعریف شده آن استنباط کرد. همان طور که تجارب تاریخی نشان می‌دهند، بازسازی سرمایه‌داری در موارد زیادی اتفاق افتاده است. این اوضاع و احوال را، که امروز برای ما روشن است، استالین در سال ۱۹۲۶ پیش بینی کرده بود. در گزارش «مربوط به گرایش سوسیال - دموکراتیک در حزب ما»، یوسف ویساریونوویچ استالین مفهوم «پیروزی سوسیالیسم» و «پیروزی نهائی سوسیالیسم» را مشخص کرد. از پیروزی سوسیالیسم در یک کشور جداگانه، استالین پیروزی بر عناصر بورژوازی و سازماندهی اقتصاد ملی کشور برای شروع سوسیالیستی را استنباط می‌کرد. اما، آیا چنین پیروزی را پیروزی نهائی نامیدن درست است؟ استالین به درستی می‌گفت که «ما از توانائی پیروزی بر سرمایه‌داران خود، ساختن سوسیالیسم و ساختمان آن برخورداریم، اما این به معنی آن نیست که ما قادر به تضمین کشور دیکتاتوری پرولتاریا در مقابل تهدیدات خارجی، خطر تجاوز نظامی و بازسازی سرمایه‌داری و برقراری نظم کهنه در اثر آن هستیم.» «ما در جزیره زندگی نمی‌کنیم. ما در محاصره سرمایه‌داری قرار داریم». این سخنان، نبوغ استالین را نشان می‌دهد که در سال‌های دور، در سال ۱۹۲۶، احتمال شکست سوسیالیسم را پیش بینی کرد. امروز ما می‌بینیم که واقعاً هم هنگام ساختن هر پدیده نو، ارزیابی شرایط عینی ضرورت تام دارد. برای پیروزی سوسیالیسم، درازگویی در باره «زندگی کردن نسل حاضر انسان شوروی در جامعه کمونیستی» و توهم ساختن جامعه کمونیستی در ۲۰ سال پس از انقلاب لازم نیست، بلکه، تحلیل عینی و جامع اوضاع و بر اساس همین تحلیل، توانائی بهره‌گیری از تضادها در جبهه دشمن، تحمل و توان آموختن (حتی از دشمن)، ضرورت دارد و این همان چیزی است که واقعاً بخش تفکیک‌ناپذیر شرایط پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم محسوب می‌شود.

وقتی که سخن از پیروزی نهائی سوسیالیسم به میان می‌آید، نباید فراموش کنیم که در این باره لنین گفت: «پیروزی نهائی فقط در مقیاس جهانی و فقط در سایه مساعی مشترک کارگران همه کشورها ممکن است». استالین با نظریه لنین کاملاً موافق بود و چنین جمع‌بندی کرد:

«بدین ترتیب، پیروزی سوسیالیسم در میهن ما یعنی چه؟ این به معنی برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و ساختن سوسیالیسم، با عبور از عناصر سرمایه‌داری در اقتصاد ملی ما به اکتفاء قدرت داخلی انقلاب می‌باشد.

پیروزی نهائی سوسیالیسم در میهن ما یعنی چه؟ این نیز به مفهوم ایجاد تضمین کافی در مقابل تجاوز خارجی و دفع تلاش‌ها برای بازسازی سرمایه‌داری، بر پایه پیروزی انقلاب سوسیالیستی، حداقل در چند کشور» می‌باشد.

به باور ما این حکم استالینی در کلیت خود صحیح است، اما در مواردی نیاز به تدقیق دارد. از موارد فوق‌الذکر نظریات استالین راجع به پیروزی و پیروزی نهائی سوسیالیسم، چنین برمی‌آید که باید به واقعیت انترناسیونالیستی پدیده سوسیالیسم اذعان کرد. و این بدین معنی است که، باید پیروزی سوسیالیسم در یک کشور جداگانه و در چهارچوب همه بشریت به عنوان یک کل را در نظر گرفت. ساختن سوسیالیسم در محدوده یک کشور جداگانه، به معنی عبور از تضادهای داخلی به حساب می‌آید و ساختن سوسیالیسم در مقیاس جهانی، به مفهوم پیروزی بر تضادهای خارجی و به تبع آن، پیروزی تاریخی به طور کلی نظام نوین شمرده می‌شود.

استالین می‌گفت که پیروزی سوسیالیسم وقتی نهائی می‌شود که سوسیالیسم حداقل در چند کشور پیروز شود. به نظر می‌رسد چون این حکم در عمل تأیید نشد، نیازمند تدقیق می‌باشد. سوسیالیسم پیروز در چند کشور، ناگزیر اردوگاه سوسیالیستی خود را تشکیل می‌دهد. اما دولت‌های بورژوازی، بی‌تردید، برای در هم کوبیدن اردوگاه سوسیالیستی و بازسازی سرمایه‌داری در کشورهای سوسیالیستی مجاهدت خواهند کرد (و کردند). بدین ترتیب، می‌توان گفت که، خطر بازسازی همیشه باقی می‌ماند و حتی پیروزی سوسیالیسم در چند کشور نیز نمی‌تواند تضمینی برای پیروزی نهائی سوسیالیسم حساب شود. این واقعیت که قدرت‌های امپریالیستی جهان اردوگاه سوسیالیستی را در هم کوبیدند، در جلو چشم ماست و می‌بینیم که آنها توانستند و کشورهای سوسیالیستی نیز عملاً بدون مبارزه تسلیم شدند. در نقطه مقابل، همان وقت در رسانه‌های تحت تأثیر بورژوازی، تبلیغات ضد سوسیالیستی غلیان می‌کرد. از این واقعه چنین استنباط می‌شود که پیروزی نهائی و بی‌بازگشت سوسیالیسم فقط در صورت پیروزی در اکثریت کشورها و یا حداقل در پیشرفته‌ترین کشورها معنی پیدا می‌کند. در همه حال، از این فرضیه چنین برمی‌آید که «بلاشویک‌ها از مارکسیسم عدول کردند» و یا روسیه برای ساختن سوسیالیسم آماده نبود. از این نظریه فقط می‌توان به این نتیجه‌گیری رسید که، در روند برقراری سوسیالیسم باید تصور روشنی از وجود حلقه محاصره سرمایه‌داری داشت، که با تولید عناصر سرمایه‌داری در کشورهای سوسیالیستی، مبارزه طبقاتی با سوسیالیسم را تشدید خواهند کرد. برای دادن پاسخ به همه اینها، وجود دولت سوسیالیستی دیکتاتوری پرولتاریا، تئوری پیشرفته و خط درست سیاسی، اهمیت مطلق کسب می‌کند. آن وقت و فقط آن وقت، دولت پرولتری می‌تواند در حلقه محاصره دشمنان دوام بیاورد و همه بشریت را با خود همراه سازد. ماهیت نظریه انقلاب جهانی استالینی هم که انقلاب جهانی را عملاً بسیار بیشتر از «تئوری» تروتسکی توسعه داد، درست همین است.

همان طور که واضح است، در اواخر زندگی استالین اردوگاه قدرتمند سوسیالیستی شکل گرفت و پیش از همه، پیروزی اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم در تشکیل اردوگاه سوسیالیستی نقش داشت. با این وجود، خود این پیروزی، پیامد سیاست‌های استالین بود و سیاست‌های او نیز انعکاس نظریه او بود. بنابراین، با قطعیت می‌توان گفت که تشکیل اردوگاه سوسیالیستی، صحت تئوری «انقلاب جهانی به پشتوانه دولت سوسیالیستی» استالین را عملاً ثابت کرد. همه این پیروزی‌ها و دستاوردهای داخلی و بین‌المللی مدیون سی سال استقرار دیکتاتوری پرولتاریا تحت رهبری خردمندانه رفیق استالین رهبر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. احیای سرمایه‌داری در شوروی با کسب قدرت سیاسی و حذف دیکتاتوری پرولتاریا توسط رویزیونیست‌های خروشچی از سال ۱۹۵۶ آغاز شد که سرانجام به انحطاط و فروپاشی آن انجامید.

بنابر همه آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که، استالین نظریه پرداز و مجری واقعی تئوری انقلاب جهانی بود و متفاوت از تروتسکی، او فقط به سخن سرائی در باره «آتش انقلاب جهانی» نپرداخت. بلکه نظریه تحکیم سوسیالیسم ابتدا در یک کشور و سپس، تبدیل این کشور به پایگاه مستحکم و ضامن واقعی آتش اصیل انقلاب جهانی را با بردباری توضیح داد و تحقق بخشید.

* * * * *

روشنفکران و طنفروش و عوامل اجنبی را بهتر بشناسید

روشنفکران خود فروخته و و طنفروش را بهتر بشناسید. آقای علی میرفطروس قلمبندست مدافع بمباران ایران توسط رژیم صهیونیست اسرائیل و امپریالیست آمریکا در نشستی در دوسال پیش با نمایندگان اسرائیل چنین گفت: "دوسال پیش، در دعوت و دیداری ناخواسته با نمایندگان از دولت اسرائیل، به آنان گفتم: من یک پژوهشگر تاریخ‌م و لذا نمی‌دانم که شما چرا در مسئله ایران، که یک مسئله حساس سیاسی است، به من مراجعه کرده‌اید؟ گفتند: ما با ایرانی‌های متعددی (از جمهوریخواه تا سلطنت طلب) گفتگو کرده‌ایم اما هریک، به جای ارائه «راه حل»، بیشتر به نفی و انکار یکدیگر پرداخته‌اند و یا «مُماشات بارژیم جمهوری اسلامی» را توصیه کرده‌اند، از این رو به شما مراجعه کرده‌ایم تا از دیدگاه‌های شما نیز آگاه شویم. در همان ملاقات، من نظرات صریح و روشنم را به آنان ابراز کردم و از جمله تأکید کردم، مشکل مردم ایران و منطقه و جهان، مشکل «تأسیسات اتمی ایران» نیست بلکه مشکل اساسی، خود رژیم جمهوری اسلامی است که با سوءاستفاده از درآمدهای سرشار نفت، در ایران، فلسطین، لبنان، عراق، افغانستان و ... ایدئولوژی کینه و نفرت و مرگ منتشر می‌کند، ایدئولوژی هولناکی که اینک در منطقه و جهان، در تدارک یک «هولوکاست اسلامی» است. از این گذشته، شما که رهبران تروریست‌های «حماس» را در درون اتوموبیل‌ها و یا در منازل مخفی‌اشان، هدف قرار می‌دهید، چرا این «جراحی قشنگ» را درباره رهبران ایران و پایگاه‌های سرکوب رژیم اسلامی (سپاه، بسیج و ...) انجام نمی‌دهید؟ ... اگر طرح افسران آلمانی برای ترور هینرل (در بیستم ژوئیه ۱۹۴۴) موفق می‌شد، بی تردید، سرنوشت یهودیان و مردم آزاد جهان، طور دیگری رقم می‌خورد. ... جامعه کنونی ایران نه افغانستان است و نه عراق و فلسطین و لبنان، بلکه جامعه کنونی ایران با یک نیروی عظیم ۷۰ درصدی جوان و پویا، ارتش آگاه و نیرومندی است که خواهان آزادی، امنیت، صلح، رفاه و دموکراسی است. از این نظر - چنان که مبارزات ستایش انگیز و به دور از خشونت سال‌های اخیر نشان داده - جامعه مدنی ایران قابل مقایسه با هیچیک از کشورهای خاورمیانه نیست. بنابراین: می‌توان و باید این «ارتش آگاه و نیرومند جامعه مدنی» را به حساب آورد و بر آن تکیه کرد. بر این اساس، اعتقاد دارم که تنها و تنها با کوبیدن پایگاه‌ها و ستادهای سرکوب حکومت اسلامی و برداشتن سقف سرکوب و ترس و تهدید و در نتیجه: با خیزش مردم ایران و سرنگونی این رژیم ضد ایرانی و ضد انسانی به دست خود آنان است که می‌توان شاهد استقرار آرامش و صلح و ثبات در منطقه و جهان بود ".... آقای میرفطروس در ادامه همین گفتگو جهت "مردم دوستی خود" اسرائیل را از بمباران تأسیسات و کشتن مردم غیر نظامی منع می‌کند و همانند چلبی مزدور برای مردم فریبی به متجاوزین اندرز می‌دهد که در بمباران خود دقت فرمایند تا به مردم ایران آسیبی نرسد!؟

ما از این که هر روز صفت‌های سیاسی روشن تر می‌شود و افراد و جریان‌های سیاسی در قبال اوضاع ایران و منطقه به اظهار نظر می‌پردازند و جبهه‌های سیاسی مدافعین و مخالفین تجاوز به ایران شفاف تر می‌شود خرسندیم و همگان را به تشدید مبارزه علیه کارگزاران امپریالیست و نوکران رنگارنگش فرا می‌خوانیم. مردم ایران به کمک و دلسوزی‌های امپریالیست درنده آمریکا و چماقش اسرائیل و هم پیمانان جنایتکارش نیازی ندارد و بر انداختن رژیم ولایت فقیه و استقرار آزادی و دموکراسی را وظیفه داخلی خود می‌داند و در این بستر از حمایت تمامی نیروهای انقلابی و مترقی ایران و جهان برخوردار خواهد بود. مردم ایران "انقلاب لیبیائی" نمی‌خواهد. ادامه انقلاب مشروطه و بهمن ۵۷ در دستور ملت قهرمان ایران است و آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را با دستن پرتوان خود در پهن دشت ایران مستقر خواهد ساخت.

ننگ و نفرت بر مزدوران امپریالیست

سخن هفته

نقل از فیسبوک توفان

جمعه ۲۷ آبان هزار و سیصد و نود

از علی میرفطروس به علت حمایت از حمله نظامی به ایران، سلب دکترای افتخاری شد

نامه دکتر صمدانی، رئیس دانشگاه آمریکایی گلوبال به آقای میرفطروس:

فهم این نکته ضروری است که، اعطای مدرک افتخاری بر پایه شرف و لیاقت کسی که مدرک را می گیرد، بنا شده است. یکی از اینها (آن گونه که در بند یک آئین نامه مربوط به اعطای مدرک دکترای دانشگاه آمریکایی گلوبال قید شده است) آن است که گیرنده دکترای افتخاری، خود را وقف کوشش‌های انسانی، برای استقرار صلح در سراسر جهان کند. در حالی که شما، در نامه حیرت آورتان، به سناتور لیندزی گراهام (به گونه‌ای شرم آور و ناامید کننده) موافقت خود را با حمله نظامی قدرت‌های جهانی (از جمله آمریکا) به سرزمین پدری خود اعلام کرده‌اید.

شما، در نامه تان، به جای این که از سناتور گراهام بخواهید که ایرانیان را، در قیام علیه رژیم تشویق کند (بی هیچ توجیهی) خواسته‌اید که رژیم ملاحا، از طریق نیروهای نظامی به زیر کشیده شود. شما، با این کارتان (بالقوه) هیولائی را (در هیئت هرج و مرج اقتصادی - سیاسی در گستره جهان) از بند رها ساختید؛ و البته لازم به گفتن نیست که (از این رهگذر) بسیاری از ایرانیان و آمریکائیان جانشان را از دست خواهند داد. گرچه، مطمئن هستیم که (متاسفانه) فروشندگان اسلحه (در هر دو طرف) از این جنگ سود خواهند برد.

آقای میر فطروس، نویسنده خوبی بودن از شما انسان خوبی نمی سازد. آدولف هیتلر هم هنرمند خوبی بود ولی، تنها از رهگذر جنایت‌های فجیع‌اش (علیه بشریت) در خاطره‌ها مانده است.

آقای میر فطروس، شما و عزیزانتان، در زیر چتر امنیتی کشور قدرتمند و متمدن فرانسه زندگی می کنید. از این رو، شما و خانواده تان از نعمت امنیت بر خوردارید.

با این وجود (عطف به نامه شما) این گونه به نظر می رسد که، برای شما میلیون‌ها نفر زن و مرد و کودک بی گناه و بی دفاع ایرانی (که در نتیجه چنین حمله خانمان سوزی، وحشت‌های غیر قابل توصیف جنگی را تجربه خواهند کرد) مهم نیستند. جنگی که قدرت‌های جهانی شروع خواهند کرد و توان نظامی خود را در از بین بردن بسیاری از مردم ایران (همراه با ملزومات و امکانات کمی که این مردم، برای راحتی خود گرد آورده اند) به کار خواهند گرفت.

سرانجام، تشویق شما برای حمله نظامی [به ایران] آنقدر مسخره و غیرمنطقی است که:

لیاقت داشتن دکترای افتخاری را که (ای - جی - یو به شما اعطا کرده بود) از شما سلب می کند. بنابراین دکترای افتخاری شما (از تاریخ ارسال ای - میل، در جهت ابطال آن) لغو خواهد شد.

پیشاپیش به شما اخطار می شود که از این تاریخ به بعد، افزودن عنوان دکتر به دنبال نام تان، یا امضا کردن و چاپ نام خود با عنوان دکتر و یا معرفی خود به هر شکلی که نشان از این داشته باشد که از «ای جی یو» دکتر دارید، از منظر قانونی و اخلاقی، نقض حقوق دانشگاه تلقی خواهد شد.

شما موظف هستید، دکترای افتخاری خود را (حداکثر) تا تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱، به AGU عودت دهید. در غیر این صورت، خبر ابطال دکترای افتخاری شما، در یکی از نشریات آموزشی شهرتان، همین طور سامانه اینترنتی AGU درج خواهد شد.

دکتر صمدانی، رئیس دانشگاه آمریکایی گلوبال

سلاح هسته‌ای موهومی ایران



نتانیاهو نخست وزیر رژیم متجاوز و صهیونیست اسرائیل در سال ۱۹۹۲ اظهار داشت که ایران ۳ تا ۵ سال دیگر به سلاح هسته‌ای دست خواهد یافت. شیمون پرز، رئیس جمهور اسرائیل نیز ضمن پافشاری و با قاطعیت اعلام داشت که ایران تا سال ۱۹۹۹ صاحب سلاح اتمی خواهد شد. نیویورک تایمز نیز در سال ۱۹۹۵ ادعا کرد که ایران در طی ۵ سال سلاح هسته‌ای تولید خواهد کرد. وزیر دفاع آمریکا رامسفلد نیز در سال ۱۹۹۸ ادعا کرد که ایران دارای موشک‌های هسته‌ای ICBM است که می تواند ایالات متحده آمریکا را مورد هدف قرار دهد..... اخیراً نماینده اوژانس انرژی اتمی با یک گزارش جعلی و دست پخت آمریکا و شرکاء اعلام کرد که ایران به دنبال تولید بمب اتمی است و برنامه‌اش غیر شفاف و مشکوک است. این گزارش قبل از این که ابتدا در اختیار اعضای انرژی اتمی قرارگیرد به دست رژیم اسرائیل رسید و صهیونیست‌ها از نتیجه تحقیقات مطلع بودند. حال ببینید این جانان جاعل

دروغگو چه خوابی برای مردم ایران دیده‌اند. این جعلیات را بارها در مورد عراق تولید کردند و به خورد افکار عمومی دادند. حال مثنی مزدور خود فروخته که نام روشنفکر برخورد نهاده‌اند با انتشار بیانیتهای رنگارنگ در کنار امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها به پخش جعلیات و آماده کردن فضای تجاوز نظامی به ایران مشغولند. این روشنفکران خود فروخته در قبال بمب اتمی واقعی اسرائیل و تجاوزات وحشیانه به کشورهای منطقه، سکوت کرده‌اند و داشتن بمب اتمی را حق طبیعی و دموکراتیک آمریکا و اسرائیل و فرانسه می‌دانند و بر تمام واقعیات چشم بستند و به نوکر اجانب تبدیل شده‌اند. اینها همه در حالیتی که تا کنون کسی نتوانست ثابت نماید ایران دارای سلاح اتمی است. گیریم ایران به دنبال سلاح اتمی است و یا همین امروز نقداً صاحب بمب اتمی است. اگر داشتن بمب اتمی بد است برای اسرائیل و آمریکا و فرانسه نیز باید بد باشد و این ممالک حق ندارند در مورد دیگر کشورها نعره صلح خواهی و وحشت از بمب اتمی سردهند. این دروغگویان مرتجع و آدمخوار به خواست صلح خواهانه مردم جهان و خلع سلاح اتمی و نابودی تمامی سلاح اتمی و میکروبی وقعی نمی‌گذارند و زورگویانه به پر و پای دولتهائی چسبیده‌اند که با هر انگیزه‌ای، نوکری آنها را نپذیرفته، نمی‌خواهند همانند عربستان و کویت و عمان و بحرین و قطر به اوامر امپریالیست‌ها تن در دهند. در اینجا تساوی حقوق دولت‌ها و ملل مطرح نیست. قانون جنگل حاکم است. به این می‌گویند نقض آشکار حق تعیین سرنوشت ملت‌ها

ما از افشای توطئه‌های امپریالیست‌ها و نوکرانشان دمی نخواهیم آسود و همگان را به مبارزه علیه امپریالیست‌ها و نوکرانشان فرا می‌خوانیم.

سرنوینی رژیم ولایت فقیه و استقرار آزادی و دموکراسی فقط به دست مردم ایران و تحقق این امر بدون مبارزه علیه استعمارگران و جهانخواران بین‌المللی کژراهه است، آب در هاونگ کوبیدن است

دست امپریالیست‌ها از ایران و منطقه کوتاه باد

حزب کار ایران-توفان

28 آبان ۱۳۹۰

برگرفته از فیسبوک توفان

www.toufan.org

امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها بزرگ‌ترین تروریست‌ها و بزرگ‌ترین ناقضین حقوق انسان‌ها در جهان

بهترین نمونه عدم توجه به دموکراسی و حقوق انسانی و سیاست "به من چه، زیرا منافع شخصی من در خطر نیست" مسئله مشخص تجاوز بربرمنشانه ناتو به رهبری آمریکا به لیبی است. صحنه‌های جنایتکارانه کماندوهای ناتو که از راه هوا و زمین در مغایرت کامل با قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، با قلدری و زورگوئی و تحقیر افکار عمومی، به کاروان قذافی حمله کردند و وی را بیرون کشیدند با چاقو از پشت به وی تجاوز کردند، وی را کتک مفصل زدند و سپس به قتل رساندند را، همه دیده‌اند. وجدان‌های بسیاری از این همه وحشیگری به درد آمد، به جز وجدان‌های کسانی که این فجایع را تدارک دیده بودند و از کشتن قذافی به این وضع اظهار رضایت کردند و بیان کردند که مرگ وی بسیاری مشکلات حقوقی و سیاسی و قضائی آتی را حل کرد. دستگیری زنده وی برای ما مشکل آفرین بود. همه این سخنگویان که سببیتشان حیرت‌انگیز است، خود را مدافع دموکراسی و حقوق بشر جا می‌زنند. خود آنها قبلاً در دادگاه دست‌نشانده کیفری جهانی لاهه که متعلق به خودشان است، حکم جلب قذافی را صادر کرده بودند، و به موجب آن حکم باید ظاهراً علاقمند می‌بودند که وی زنده دستگیر شده و در مقابل دادگاه قرار گیرد، ولی خود همان "قاضی‌ها"، دلشان نمی‌خواست زنده وی به دادگاه کیفری جهانی لاهه، که خود دادگاهی مسخره و دست‌نشانده است، تحویل داده شود. می‌بینید آنجا که پای منافع سیاسی در کار است، آنها به احکامشان نیز احترام نمی‌گذارند و بر اساس منافع سیاسی طبقاتیشان آن را به زیر پا می‌گذارند. آیا سفاقت نیست که کمونیست‌ها نیز با آنها هم آوا شوند؟ آیا این هم آوائی، حکم قتل خود کمونیست‌ها نیست؟ آیا این نشانه آن نیست که عده‌ای را قبل از این که روی صندلی اتهام بنشانند، روی صندلی ایستاده‌اند که بی‌خیر از عاقبت کار خویش برای قاتل‌های خود دست بزنند؟

اگر شکنجه کار زشت و نکوهیده‌ایست، اعمالش در مورد هر کس حتی مخالف من هم نکوهیده است. اگر قبل از اعمال مجازات، باید دادگاه صالحه به جرم رسیدگی کرده باشد، همان قدر باید برای اسامه بن لادن معتبر باشد که برای هویدا و حتی خلخالی. آنها که فکر می‌کنند این اصول خدشه‌ناپذیر را می‌توانند بر اساس ذائقه خویش تعریف کنند گور خود را دارند می‌کنند و نمی‌فهمند. به این جهت حزب کار ایران (توفان) رفتار جنایتکارانه اوباش ناتو را نسبت به قذافی که به قتل رسید، ولی تسلیم نشد، محکوم می‌کند. حزب ما رفتار مزورانه و ریاکارانه امپریالیسم و صهیونیسم در برخورد به حقوق انسان‌ها را محکوم می‌کند. حزب ما بر آن است که امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها بزرگ‌ترین تروریست‌ها، بزرگ‌ترین مرتجعین، بزرگ‌ترین ریاکاران و دروغگوها،

بزرگ ترین ناقضین حقوق انسانها در جهان هستند. امپریالیسم یعنی ارتجاع سیاه و با این ارتجاع سیاه باید تا نابودی اش مبارزه بی امان کرد، برای آن که بشریت نجات یابد.

حزب ما بر آن است که مبارزه برای تحقق حقوق بشر بدون مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم سخنان پوچ و عوامفریبانه‌ای بیش نیست تا دموکراسی مصلحتی و دم بریده و بی محتوی را جا بیندازند.

حزب ما بر آن است که سازمان‌های مدعی حمایت از حقوق بشر باید تجاوز به لیبی و رفتار وحشیانه و ضد بشری امپریالیست‌ها و مشوقین آنها، صهیونیست‌ها را محکوم کرده از حقوق انسانی و قانونی مردم لیبی به حمایت برخیزند، در غیر این صورت نشان می دهند که سازمان‌های ساخته و پرداخته دست ارتجاع جهانی هستند و مشکلشان حمایت از حقوق بشر نیست. حقوق بشر گزینشی وجود ندارد. حقوق بشر تجزیه بردار نیست و با نقض آن اگر نخواهیم به ریاکاری متهم شویم، باید در همه جا از فلسطین و ابو غریب و بگرام و تل آویو و واشنگتن گرفته تا ایران مبارزه کنیم.

سخن هفته



حزب کار ایران (توفان)

جمعه بیست آبان ۱۳۹۰

www.toufan.org



بیانیه:



حزب کمونیست کارگران تونس

در مورد انتخابات مجلس مؤسسان

هیئت عالی مستقل انتخابات (ISIE) نتایج اولیه انتخابات مجلس مؤسسان را شامگاه امروز ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱ اعلام نمود. بر طبق میزان آراء، "حزب نهضت" رتبه اول و احزاب "کنگره جمهوری (CPR)"، "فروم دموکراتیک کار و آزادی (FDTL)"، و "صف مردمی برای آزادی و عدالت و توسعه" به ترتیب رتبه ۲-۴ را احراز کردند. حزب کمونیست کارگران تونس فقط ۳ کرسی در صفاقس، کپروان، و سیلیانه به خود اختصاص داد.

حزب کمونیست کارگران تونس (PCOT) خاطر نشان کرده است که این اولین انتخابات بعد از انقلاب انتخاباتی کثرت گرایانه و باز برای همه احزاب و جریانات سیاسی و ایدئولوژیک بود. علیرغم این، حزب ما باید برای حرکت‌های نا معمول و غیر متعارف در انتخابات که به نتایج آن خدشه وارد کرده است انگشت گذارد. بر خلاف گفته‌های تصنعی و بی روح که برای پنهان کردن حقیقت به کار برده می شوند و از دوران بن علی به ارث رسیده‌اند به مردم حقیقت را بگویند.

۱ - طبق آمار رسمی هیئت عالی مستقل انتخابات، میزان شرکت مردم در انتخابات کمتر از ۴۹،۹ درصد بود. این به معنای این است که اکثریت جمعیت واجد شرایط (۳،۸۶۷،۱۹۷ نفر از ۷،۵۶۹،۸۲۴ واجد شرایط) در انتخابات شرکت نداشت. با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی موجود در کشور باید علل شرکت قلیل مردم در انتخابات بررسی شوند.

۲ - پول در انتخابات از طریق پرداخت هزینه تبلیغات سیاسی و رشوه دادن وسیع به اسم "هدیه" و "خدمات اجتماعی و خیرات" به رای دهندگان نقشی کثیف و خطرناک بازی کرد و این اعمال حتی تا روز انتخابات ادامه داشت و ظاهراً هیئت انتخابات توان جلوگیری از آن را نداشت.

۳ - رسانه‌های خبری و از آن جمله رسانه‌های عمومی که هنوز زیر کنترل عوامل رژیم سابق هستند جانب بعضی از نیروهای سیاسی را گرفتند. این رسانه‌ها نه تنها به مردم در درک اهمیت انتخابات مجلس مؤسسان کمکی نکردند بلکه برعکس با تمرکز بر روی مسائل فرعی و مسائلی مربوط به اعتقادات مذهبی نیروها، ایجاد سردرگمی نمودند.

۴ - در تمامی دوره انتخابات، مذهب در مساجد و اماکن عمومی به شدت به کار گرفته شد. به طور مثال در نماز جماعت روز جمعه ۲۱ اکتبر، دو روز قبل از انتخابات از مردم صریحاً خواسته شد که به بعضی از نیروها علیه نیروهای دیگر رأی دهند. ائمه

جماعت ادعا کردند که بعضی از نیروها مذهب کشور را نمایندگی کرده و طرفداران آنها نماز می خوانند. این شیوه‌های کثیف به شیوه‌های دوران بن علی شباهت دارند.

۵ - به کارگیری مذهب همراه شد با کارزارهای کثیف و لجن پراکنی علیه نیروهای انقلابی و دموکراتیک مانند حزب ما. هدف از این کارزارها که توسط نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی به راه افتاده بودند منحرف کردن توجه مردم از مسائل اصلی سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی بود تا با معیار مذهب اتحاد بین آنها را بر هم زنند.

۶ - در روز انتخابات چندین عمل غیر معمول حتی توسط مأمورین ناظر بر مراکز رأی گیری صورت گرفت. مردم و به ویژه کسانی که برای انتخابات ثبت نام نکرده بودند را توسط اتوبوس و اتومبیل‌های شخصی به مراکز رأی گیری آورده بودند، بعضی نیروها تبلیغات انتخاباتی را تا روز انتخابات ادامه دادند، گزارشات توسط هیئت‌های بازدید کننده و ناظرین بر صندوق‌ها و گزارشات مستقل نشان می دهند که در مقابل مراکز رأی گیری به طور آشکار مردم به رأی دادن به بعضی از لیست‌ها تشویق می شدند، در داخل مراکز رأی گیری غذا و آشامیدنی مجانی توزیع شده بود.

این اعمال ناقض اصول رأی گیری دموکراتیک بودند و شفافیت انتخابات را دود آلود نمودند. این اعمال بر روی نتایج انتخابات اثر گذاشتند.

کوشش‌های هیئت عالی مستقل انتخابات در کم اهمیت دادن این نقض‌ها نشان می دهند که این هیئت توانائی مقابله با آنها را نداشته است.

۷ - به تعویق انداختن پی در پی اعلام نتایج انتخابات روی شفافیت کل انتخابات علامت سؤال می کشد. آینده ممکن است که علل این تعویق‌ها را آشکار کند.

۸ - حزب کمونیست کارگران تونس که در انتخابات شرکت نمود اولین حزب سیاسی بود که با هدف پایان دادن به استبداد، انتخابات مجلس مؤسسان را مطالبه نمود. حزب از نظر سیاسی، مالی، و اخلاقی یک کارزار سالم را رهبری نمود. حزب بر روی برنامه و پیشنهادات تمرکز کرده بود و به اراده مبارزین و فعالین خود تکیه داشت. حزب با یک کارزار کثیف ضد حزبی شدید مواجه شده و دسترسی آن به رسانه‌ها مسدود شده بود.

نتایج کسب شده توسط حزب کمونیست کارگران تونس کم بوده و سطح حضور و درگیری حزب در صحنه، ریشه و سرچشمه‌های حزب، تاریخ رزمنده، و نقش پیشرو حزب در انقلاب تونس علیه دیکتاتوری را انعکاس نمی دهند. علیرغم آن که این کمیت پائین به جَو ذکر شده در بالا مربوط می باشد ولی قطعاً بدنه حزب مسئولیت ما در قبال آن را ارزیابی و تحلیل خواهد کرد.

۹ - در ورای این نتایج، حزب کمونیست کارگران تونس به مبارزه قاطع و مصمم خود به همراه کارگران و طبقه پائین جامعه ادامه خواهد داد تا اهداف انقلاب را تحقق بخشیده و تغییرات واقعاً دموکراتیک، میهن پرستانه، و مردمی را به وجود آورد.

در دوره کارزار انتخاباتی، حزب کمونیست کارگران تونس توانست تعداد زیادی طرفدار که توسط برنامه، مواضع، اعتبار، و اصول حزبی متقاعد شده بودند را به خود جذب کند. آنها پایه مستحکمی برای آغازی نو و مصاف‌های آینده خواهند بود.

حزب کمونیست کارگران تونس به همه افرادی که از حزب حمایت نموده و به کاندیدهای آن رأی دادند درود می فرستد. حزب به آنها اطمینان می دهد که نمایندگان حزبی منتخب شان قاطعانه در مجلس مؤسسان از مأموریتی که برای آن انتخاب شده‌اند دفاع خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگران تونس، رهبری ملی

تونس، ۲۹ اکتبر ۲۰۱۱

سیزده آبان، حماسه شنبه سرخ، روز دانش آموز گرامی باد



دانشگاه
تهران
1979



دانشگاه
تهران
2009

۱۳ آبان، روز دانش آموزیزودی فرا می رسد. این روز یادآور حماسه خونین هزاران دانش آموزی است که در ۱۳۵۷ به حمایت از اعتصاب آموزگاران، به حمایت از اعتصاب هزاران نفر از کارگران نفت خوزستان، کارگران و کارمندان شرکت ملی گاز ایران، اعتصاب کارگران و کارمندان دخانیات، اعتصاب کادر پزشکی بیمارستانها، اعتصاب کارکنان آب تهران و به حمایت و همبستگی از تظاهراتهای پر شکوه مردم در سراسر ایران یکپارچه به میدان آمدند و با پیوستن به دانشجویان انقلابی در مقابل دانشگاه تهران با نیروی گارد شاهنشاهی رژیم منفور پهلوی قهرمانانه دست به نبرد زدند. در اثر یورش وحشیانه نیروی سرکوبگر، دهها تن از دانش آموزان به خون در غلطیدند. در این روز تاریخی، جوانان انقلابی میهن ما با تودههای رنج و کار پیمان خونین خویش را هرچه مستحکم تر ساختند. فریاد رسای جوانان که توفید:

دانشگاه سنگر آزادی است نه لانه جاسوسان، رژیم سرسپرده شاه را به لرزه در آورد. پی آمد حماسه شنبه سرخ جوانان انقلابی مجسمه شاه را در صحن دانشگاه تهران به خاک کشیدند. شعلههای خشم تودههای ستمدیده جوانان از فراز دانشگاه هر چه مشتعل تر به آسمان زبانه کشید. عکس درباریان طعمه آتش گشت و شور انقلابی به اوج رسید. تا سرانجام برغم تمامی توطئهها، سرنیزهها، حبس و شکنجه و اعدام مخالفین و مبارزین انقلابی و کمونیست، شاه با تاج و تخت فرسوده سلطنت به مزبله تاریخ راهی گشت.

با روی کار آمدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، ۱۳ آبان، حماسه شنبه سرخ، به "حماسه مبارزه علیه استکبار جهانی، روز دانشجویان خط امام، روز تسخیر سفارت آمریکا و روز تبعید خمینی بت شکن به ترکیه"، تبدیل گشت. رژیم سرمایه‌داری ولایت فقیه اسلامی هر ساله تلاش نمود صدها هزار نفر را به بهانه این روز به میدان آورد تا پایه‌های حکومت استبدادی خویش را مستحکم نماید. رژیم که هیچ نقشی برای توده‌ها جز رمه گوسفند قائل نیست، برای تفرقه و شستشوی مغزی جوانان و تداوم حکومت خویش به ریسمان مذهب چنگ زد و با فریب و نیرنگ بخشی از جوانان نا آگاه را به عملة سرکوبی و خبر چینی تبدیل ساخت. با این همه دیری نپایید که بازار فریبکاری رژیم پس مانده اسلامی کساد شد و کفگیر سیاست‌های اغواگرانه وهاله نور احمدی نژادها به ته دیگ خورد و اکنون **بعد از سه دهه بیش از دهه** کشتار و سرکوب خونین مردم، تجاوز و شکنجه‌های وحشیانه، فقر و فساد و دزدی و تبعیض و دروغ و تقلب و ریا و شکاف و چند دستگی درون حکومتی؛ او خود را در محاصره مردم می بیند و در آستانه برگزاری انتخابات کذائی مجلس دوره نهم به عزا نشسته است. در آستانه فرارسیدن شنبه سرخ، ۱۳ آبان روز دانش آموز، یاد جانباختگان دانش آموزان مبارز و انقلابی که توسط رژیم سفاک و نوکر صفت پهلوی به خاک افتادند را گرامی می داریم. همین طور یاد دهها تن از اعضای اتحادیه انقلابی دانش آموزان ایران، **شنبه سرخ** و هزاران دانش آموز و نوجوان میهن را که توسط رژیم ددمنش سرمایه‌داری جمهوری اسلامی تیرباران شدند گرامی و راه سرخشان را تا نیل به سرنگونی رژیم و استقرار ایرانی آباد و آزاد و شکوفان و مستقل ادامه می دهیم.

سخن هفته

سیزده آبان ۱۳۹۰

www.toufan.org

دانشگاهها جولانگاه دزدان و غارتگران ضد فرهنگ

امروزه فساد در تمامی عرصه‌ها بیش از پیش در کشور رسوخ کرده و فسادى که در عرصه فرهنگى و خصوصاً مراکز دانشگاهی کشور رسوخ کرده و ریشه دوانیده بسیار خطرناک تر و مهلک تر از عرصه‌های دیگر است. بسیاری از مسئولان دانشگاهی در پوشش مسولیت‌های خویش مشغول انواع زد و بندهای اقتصادی و سیاسی می باشند پول‌های غارت شده توسط احمدی نژاد و مشائی در حال هزینه شدن در حوزه‌های مختلف انتخاباتی برای تصاحب و تصرف کرسی‌های مجلس نهم می باشد. به عنوان مثال در شهرستان نور و در **دانشگاه غیر انتفاعی مازیار** ریاست این دانشگاه **دکتر رضا سالاریان** و **معاون دانشگاه دکتر عبدالرضا اسماعیلی** در پوشش برگزاری همایش گردشگری از سوی رحیم مشائی و سازمان میراث فرهنگی از رانتهای مالی میلیونی برخوردار شده‌اند تا علیه حاکم مطلق انتخاباتی و نماینده شهرستان نور، ناطق نوری به فعالیت بپردازند و مخالفان وی را تقویت نمایند. لازم به ذکر است که ناطق نوری که در زمره اصول گرایان سنتی به شمار می رود از جمله مخالفان دولت احمدی نژاد است که شکست وی در این حوزه بسیار برای باند حائز اهمیت است و هزینه زیادی در حال انجام می باشد تا وی در انتخابات آتی شکست بخورد. دکتر رضا سالاریان ریاست این مجموعه شخصی بسیار فرصت طلب است که در دولت قبلی از جمله نزدیکان حزب مشارکت و محمد رضا خاتمی بود که با استفاده از رانت این مجموعه به عضویت هیئت علمی دانشگاه امیر کبیر در آمد و در حال حاضر از جمله باج خورهای رحیم مشائی به شمار می رود و معاون این مجموعه دکتر عبدالرضا اسماعیلی (دانشگاه مازیار) عضو سازمان انرژی اتمی می باشد که دارای سوابق بسیار تیره در زمینه‌های اخلاقی و مالیست که باعث اخراج وی از معاونت دانشگاه غیر انتفاعی شمال گردید باید به سازمان انرژی اتمی بابت تربیت همچون جانورانی تبریک گفت آری این است عرصه تاخت و تاز و غارت امروز هم چنین مسئولان کثیف و بی تعهدی که همانند افعی دارای چندین سر بوده و مدام در حال بلعیدن می باشند

بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست لنینیست

ترور قذافی، جنایت تازه امپریالیسم

تجاوز وحشیانه نظامی به لیبی که توسط کشورهای امپریالیستی فرانسه، انگلستان، آمریکا و سازمان ناتو صورت گرفت و سازمان ملل آن را تأیید نمود، بعد از نابودی لیبی و کشتار ده‌ها هزار از شهروندان غیر نظامی و تحمیل یک حکومت دست‌نشانده به مردم، با ترور سرهنگ قذافی پایان یافت. ما، مارکسیست لنینیست‌ها، کارگران، مردم و جوانان که برای رهایی اجتماعی در پنج قاره جهان مبارزه می‌کنیم این جنایات را محکوم نموده و از آن نفرت داریم.

شور و شوق زحمتکشان و جوانان لیبی برای آزادی و دموکراسی که در تظاهرات‌های فوریه گذشته تجلی یافت توسط امپریالیست‌ها، ارتجاع، و سوسیال دموکراسی برای غارت منابع خام کشور مورد سوء استفاده قرار گرفت. ارتجاع جهانی زیر پرچم "آزادی و دموکراسی" یک تهاجم رسانه‌ای را علیه لیبی طراحی کرد که با استفاده از آن قادر شد کشور را از زمین و هوا مورد تجاوز قرار دهد. امپریالیست‌ها مبارزه مردم لیبی برای کسب مطالبات عادلانه را به جنگی برای درهم شکستن همدست سابق خود تبدیل کردند. آنها با بکارگیری نیروی جهنمی ناتو به این کار موفق شدند و رژیم خائن و ارتجاعی بر سر کار گذاشتند، رژیمی که در آینده رنج و درد بیشتری برای مردم لیبی به ارمغان خواهد آورد.

تاریخ چند دهه گذشته لیبی مهر رژیم قذافی را بر خود زده است، رژیمی که دفاع از منابع طبیعی کشور را به عهده گرفت و پرچم میهن پرستی را بر افراشت. بعدها این مواضع راه را برای استقرار یک رژیم مستبدی که آزادی‌های دموکراتیک را به رسمیت نمی‌شناخت باز نمود. قذافی در سال‌های اخیر با امپریالیست‌ها به ویژه با آن‌هایی که او را از قدرت به زیر کشیدند وارد معامله شد. ما مارکسیست لنینیست‌های جهان همیشه بر اصل حق تعیین سرنوشت مردم پا فشاری کرده‌ایم و هم اکنون هم آن را تأیید می‌کنیم. آینده و سرنوشت مردم لیبی باید توسط کارگران و مردم آن رقم بخورد. هیچ امری نمی‌تواند تجاوز امپریالیستی و کشتار وحشیانه هزاران انسان و شخص قذافی را توجیه کند. ما این جنایات ننگین را شدیداً محکوم می‌نمائیم. ما طبقه کارگر، جوانان، و مردم را فراخوان می‌دهیم که به مبارزه خود برای حق تعیین سرنوشت مردم و برای آزادی ملی و اجتماعی ادامه بدهند.

کمیته هماهنگی کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست لنینیست (ICMLPO)
اکتبر ۲۰۱۱

 <p>!Fel</p> <p>Conferencia Internacional de Partidos y Organizaciones Marxistas-Leninistas</p> <p>ICPOML</p>	<p>احزاب برادر متشکل در کنفرانس احزاب و سازمان‌های مارکسیستی - لنینیستی:</p> <ul style="list-style-type: none"> حزب کمونیست کارگران تونس، حزب کمونیست انقلابی ترکیه، حزب کمونیست کارگران دانمارک، حزب کمونیست کارگران فرانسه، حزب کمونیست آلمان، پلاتفرم کمونیستی نروژ، تشکیلات برای احیای حزب کمونیست یونان، سازمان برای بازسازی حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست انقلابی ولتا، حزب کمونیست کار دومینیکن، حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست شیلی (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست اکوادور (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست انقلابی برزیل، حزب کمونیست ونزویلا (مارکسیست- لنینیست)، حزب کار ایران (توفان)
---	--

* * * * *

بیانیه کنشگران سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی داخل ایران پیرامون خطر حمله نظامی به ایران



**آزیرهای جنگ را چه کسانی به صدا در می آورند؟
صلح اعتراف آشکار به حقیقت است:
با خیل کشتگان چه کردید؟ (محمود درویش).**

۱ - جنگ مخوف ترین پدیده‌ای است که انسان از گذشته تاکنون با آن روبرو شده است. در جامعه‌ی ما هنوز سایه‌ی شوم جنگ ۸ ساله با عراق بر سر زندگی میلیون‌ها تن از ایرانیان سنگینی می‌کند. هنوز خاطرات آذیرهای قرمز، پناهگاه‌های نمود، خاموشی‌های شبانه، پیکرهای بی نام، دست و پاهای قطع شده، مادران بی فرزند، فرزندان بی پدر، قحطی و گرسنگی، آوارگان بی خانه و کاشانه و ده‌ها تصویر دهشتناک دیگر، در گوشه، گوشه‌ی ذهن تک تک ما، چه پر رنگ و چه کم رنگ، چه همچون کابوس شبانه و چه همچون بیم همیشگی روزانه، سنگینی می‌کند.

۲ - در چند سال اخیر رسانه‌های مسلط سعی کرده‌اند جنگ را به یک بازی کامپیوتری و بیان تصویری آن در رسانه‌ها فرو بکاهند. یک نقطه‌ی قرمز از صفحه‌ی رادار هواپیماهای فوق پیشرفته‌ی ناتو شروع به چشمک زدن می‌کند، و سپس یک انفجار به ظاهر کوچک. این تصویری از جنگ است که رسانه‌ها به مخاطبان خود تلقین می‌کنند. اما واقعیت بسیار زشت تر و خون آلودتر است. قطعاً اینجا فقط داستان انفجار یک نقطه‌ی قرمز در رادار هواپیما نیست. داستان نابودی خانواده‌ای است که شاید سر سفره‌ی غذا در طرابلس نشسته باشند. یا سربازان خسته‌ای که به اجبار در یک مرکز نظامی در بغداد نگهداری می‌شوند، یا مدرسه‌ای که کودکان یوگسلاوی در آن درس می‌خوانند و یا یک بازار محلی پر از زندگی و رفت و آمد در محله‌های کابل.... یا هر چیز دیگری که تا چند لحظه قبل زندگی در آن جاری بوده است و اکنون تبدیل به تلی از خاکستر شده است. این واقعیت کثیف را باید عریان تر از همیشه جلوی چشمان مخاطب قرار دهیم تا کراهت جنگ را نشان داده باشیم.

۳ - جنگ به هر بهانه‌ای مذموم است. نه دموکراسی، از دهانه‌ی توپ‌های جنگی ائتلاف بر ضد عراق در آمد، نه حقوق بشر، نشسته در جنگنده‌های ناتو بر فراز طرابلس به پرواز در آمد، نه آزادی، با پیک موشک‌های دوربرد آمریکا برای افغان‌ها به ارمغان آمد. در این شرایط با توجه به تجربه‌های گذشته، ما به هیچ عنوان و تحت هیچ عنوانی جنگ را نمی‌پذیریم. آن هم در شرایطی که یک جنبش اجتماعی فراگیر و ریشه‌ای در سرتاسر جهان و منطقه و ایران در جریان است. دخالت نظامی تنها دست آویزی است برای حاکمیت‌های غیر دموکراتیک تا بار دیگر از آب گل آلود جنگ، ماهی بگیرند و با "بحرانی" اعلام کردن شرایط، بار دیگر به سرکوب هر چه شدید تر جنبش‌های مردمی و خواست‌ها و مطالبات به حق آن‌ها بپردازند. تنها مقایسه‌ای ساده بین تجربه‌ی افغانستان و عراق، با تجربه‌ی تونس و مصر می‌تواند واقعیت را برای ما آشکار سازد.

۴ - ماهیت ذاتی جنبش مردم ایران در چند سال اخیر بر این اصل اساسی استوار بوده است که مردم درون ایران خواستار آن هستند تا سرنوشت خودشان را با دستان خود و در صحنه‌ی عینی مبارزه تعیین کنند. آن‌ها نمی‌خواهند هیچ قدرت داخلی و خارجی قیامشان باشد و برای آنان و به جای آنان تصمیم بگیرد. در نتیجه هرگونه دخالت خارجی خصوصاً از جنس نظامی‌اش با این ماهیت در تضاد بنیادین قرار دارد. تمام کسانی که به هر نام و در هر جایگاهی برای بمب افکن‌های ناتو و آمریکا کف و سوت بکشند دیگر در کنار مردم ایران جایگاهی نخواهند داشت و باید به صراحت به آنان گفت خط شما از خط منافع مردم جدا گشته است. آذیرهای قرمز جنگ را تنها کسانی به صدا در می‌آورند که می‌دانند در آینده‌ای که مردم ایران، بعد از پروسه‌ی مبارزاتی‌شان و به توان و نیروی خود خواهند ساخت، هیچ جایگاهی نخواهند داشت. آری. تنها کسانی از جنگ استقبال می‌کنند که به قدرت مردم برای تغییر سرنوشت خویش امید دارند و حیات خود را در "بحران آفرینی" جستجو می‌کنند.

۵ - با این همه مردم ایران به طور قطع از همراهی و حمایت‌های انسان‌های صلح طلب، آزادی خواه و تحول‌گرا در سرتاسر جهان از وال استریت گرفته تا خیابان‌های اروپا و کشورهای عربی استقبال می‌کنند. مردم ایران خود را همراه و در کنار تمامی مردم آزادی خواه و برابری طلب دنیا می‌دانند که برای ساختن "جهانی دیگر" تلاش می‌کنند.

۶ - ما امضا کنندگان این بیانیه بر این باوریم که راه انداختن جنگ و دمیدن بر آتش آن از طرف نظام سرمایه‌داری جهانی به سرکردگی ایالات متحده و حامیان داخلی‌اش، فقط به ضرر جنبش اجتماعی و اصیل مردم ایران است. جنگ و شرایط بحرانی حاصل از آن نه تنها پایه‌ی دیکتاتوری‌ها را تضعیف خواهد کرد، بلکه بهترین بهانه برای سرکوب این جنبش‌های اجتماعی و کنشگران آن و هم چنین بستری برای به قدرت رسیدن نیروهای وابسته و غیردموکراتیکی است که حیات سیاسی خود را در جنگ، بحران و سرکوب جستجو می‌کنند.

امضاکنندگان بیانیه:

یونس آیسالان (نویسنده و کارگردان)، رضا اسد آبادی (روزنامه نگار)، امیر عباس آذرم وند (فعال سیاسی)، کمال اطهاری (اقتصاددان)، مهرنوش اعتمادی (فعال مدنی)، امیر امیرقلی (فعال حقوق بشر)، مریم امیری (مترجم)، مریم امیری (فعال حقوق زنان)، محمد امینی (فعال سیاسی)، شهلا انتصاری (فعال اجتماعی)، الناز انصاری (روزنامه نگار)، ایدا اورنگ (روزنامه نگار)، سولماز ایکدر (روزنامه نگار و فعال مدنی)، محمد جواد باستانی کیا (اقتصاد دان)، خسرو باقری (مترجم)، عماد برقی (فعال دانشجویی)، منوچهر بصیر (نویسنده و مترجم)، سیمین بهبهانی (شاعر)، سهند بنی کمالی (پژوهشگر)، نسیم بنی کمالی (فعال مدنی)، بابک پاکزاد (مترجم و روزنامه نگار)، هادی پاکزاد (نویسنده و روزنامه نگار)، محسن پریزاد (فعال اجتماعی)، یاشار پورخامنه (فعال اجتماعی)، هایده تابش (فعال مدنی)، علی رضا جباری (نویسنده و مترجم)، حمید جعفری (نویسنده و شاعر)، اسماعیل جلیلود (فعال دانشجویی)، پیمانہ جمشیدی (نویسنده)، نزهت حافظی سمنانی (از مادران جان باختگان ۶۷)، آیدین حلال زاده (فعال دانشجویی)، ناهید خیرابی (روزنامه نگار)، مینو حبیبی (فعال حقوق کودک)، سعید حسن زاده (فعال سیاسی)، اختای حسینی (فعال مدنی)، وحید حلاج (فعال دانشجویی)، مژگان حمزه لو (فعال مدنی)، مهین خدیوی (ناشر و شاعر)، مزدک دانشور (روزنامه نگار)، روزبه درنشان (فعال اجتماعی)، ترانه راد (فعال اجتماعی)، پروانه راد (فعال اجتماعی)، فریبرز رئیس دانا (اقتصاددان)، کاوه رضائی شیراز (فعال مدنی)، صادق رضائی گیگلو (فعال دانشجویی)، زهره روحی (پژوهشگر)، گلناز روحی (فعال فرهنگی)، محمد علی رجائی (نویسنده و مترجم)، اردشیر زارعی قنوتی (روزنامه نگار)، ناصر زرافشان (حقوق دان)، مریم زندی (فعال مدنی)، کاوه سرمست (اقتصاددان)، حسام سلامت (مترجم و ویراستار)، سعید سلطانی (شاعر)، میرجواد سید حسینی (مترجم)، روحی شفیعی (نویسنده و مترجم)، صادق شکیب (فعال اجتماعی)، فواد شمس (روزنامه نگار)، پروانه شمیرانی (فعال اجتماعی)، سعید شیرزاد (فعال اجتماعی)، خسرو صادقی بروجنی (پژوهشگر)، سید علی صالحی (شاعر)، مازیار صالحی (فعال اجتماعی)، وحید صباغی (فعال مدنی)، پرویز صداقت (پژوهشگر و مترجم)، سید محمد صدرالغروی (پژوهشگر)، سیامک طاهری (روزنامه نگار)، کاظم طاهری (فعال اجتماعی)، مرتضی طاهری (اقتصاد دان)، مصطفی طاهری (فعال فرهنگی)، پویش عزیزالدین (فعال مدنی)، افشین عزیزی (عکاس)، یاسر عزیزی (فعال اجتماعی)، علی عطاپور (اقتصاد دان)، محمدعلی عمونی (فعال سیاسی)، محمد غزنویان (فعال اجتماعی)، کاظم فرج الهی (فعال کارگری)، آزاده فرقانی (مشاور اجتماعی)، میلاد فدائی اصل (خبرنگار)، نیوشا فدائی (مدرس دانشگاه)، صادق فقیرزاده (فعال سیاسی)، نوشین کشاورز نیا (فعال حقوق زنان)، کیمیا کورس (فعال حقوق کودک)، روزبه گرجی بیانی (فعال اجتماعی)، محمد مالجو (اقتصاددان)، مریم محبوب (ویراستار)، مهدی محمودی (فعال سیاسی)، سعید مدنی (پژوهشگر اجتماعی)، سمیرا مرادی (روزنامه نگار)، فرشید مقدم سلیمی (پژوهشگر اجتماعی)، منیژه منجم عراقی (نویسنده)، پژمان موسوی (روزنامه نگار)، وحیده مولوی (فعال حقوق زنان)، محترم میر عبدالله یانی (ناشر)، ناهید میرحاج (فعال زنان)، شیوا نظر آهاری (فعال مدنی)، ارشیا نوری (فعال اجتماعی)، امیر نیما (فعال دانشجویی)، لعبت والا (شاعر)، الهام هومین فر (فعال مدنی)، امیر یعقوبعلی (فعال مدنی)، احمد یوسف پور (فعال اجتماعی)، عنایت یوسف پور (فعال اجتماعی)، منور یوسف پور (فعال اجتماعی).

Antiwar2011@gmail.com این نشانی پست الکترونیک در برابر spambot ها و هرزنامه ها محافظت می شود. برای

مشاهده آن شما نیازمند فعال بودن جاواسکریپت هستید.

برگرفته از جبهه ضد تجاوز نظامی و ضد تحریم اقتصادی علیه ایران در مونیخ

<http://jenhezdetajavoz.blogspot.com>

+++++

« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فنای مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده‌اند. »

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

توفان شماره ۱۴۱ آذر ماه ۱۳۹۰ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahetoufan67.blogspot.com](http://rahetoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و توییتر دیدن کنید.



دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!